

*) ((بسوی خدا)) *

اینک ما وارد اساس موضوع و اصل کلام میشویم :
تکن: ای که لازم است نسل جوان بداند این است که عداوت و خصومت
با دیانت و انکار آفرینشده و مبداء و معاد و فرضیات طبیعیون روی حادثات سابقه
دارد (و اینکه خلقت خود بخود وجود داشته و عالم وجود آفریده نشده و هیچ
آفریدگاری برآن حکومت نمیکند) فرض قوه برای عالم وجود کافی است . وقوه
محر که برای تجزیه و ترکیب با خودش در تحت شرایط مخصوص و قوانین دینامیک
موجودات را بوجود میآورد) تیجه سیر علوم و فنون عصر جدید و دوره ترقی نیست
در هزاران سال پیش در هندستان فلسفه ناستیکا NastiKa در برابر عرفان
NastiKa خود نمائی میکرد و دلایل آفرینشده را متوجه همین بیانات مینمود
ناستیکا آنچه در حدود حواس پنجگانه و از تجربه مادیات بدست می آید
صحیح می پندشت و مجردات و معقولات را رد میکرد و طرفداری کامل برای
استفاده از مشتیهات مینمود پرسکاه علم اسلامی و مطالعات فرهنگی
استیکا از عقول و الهامات حکماء بر اساس گفته ویدا سرچشم میگرفت
و دانش را با تفکر و دیاضت و خداپرستی و نوع دوستی و شهوت و لذات توأم
میکرد و علاوه بر حواس پنجگانه بقياس و استدلال و اشراق و بآن نیروی که
امروز حس ششم میخواستند اهمیت کامل میداد .

چارواکی یکی از شعب ناستیکا و مذهب مادی است .

چارواکی میگوید هر چه هست همین است که دیده میشود - زندگی و
مرگ دوشکل مادی است، در یکی بیوستگی و دیگری از هم باشیدن وجودشدن است.
اشیاء از صورتی بصورتی بر میگردد از حالتی بهالتی تغییر مییابد -
گناه و نواب - سزا و جزائی در کاز نیست هر که هر چه میکند
باقتضای طبیعت و ساخت اوست وجود خدایی که خدا برستان عقیده دارند
افسانه است - آنچه ما می بینیم بنا بخواصیتی است که در اصل ماده صورت گرفته

و خواهد گرفت و نیازمند یافرینشده نیست - عبادت و مذهب و نذر و نیاز همه من در آوردن روسای ادبیان است که میخواهند از سادگی و ابلجی مردم استفاده کنند. » این فکر در هزاران سال قبل در هندوستان در مکتب مادیون در برابر مدرسه حکماء و بانی تدریس میشد ولی آدمیان از لحاظ علم و صنعت و رشد عقلی و فرهنگ در درجه امروز نبودند وسائل وسائل ترکیب و تحالیل و تجزیه ماده فراهم نبود معلمکار چارواکی کتاب مکتب مادی را از ماتریالیستهای زمان معاصر توجیه و تفسیر کرده است. !

نظریات ماتریالیسم هیچ ارتباطی با سیر علوم و فنون و ترقیات علمی و فنی ندارد و کوشش آن دستهای که میخواهند از این راه بگویند معتقدات مادیون یک اصلی است که از تکامل علمی و سیر و کمال معارف انسانی بوجود آمده و (بی سابقه است) می اساس و مغالطه آمیز است.

در یونان بین حکماء الهی و فلسفه مادی مناظره و مشاجره وجود داشته و این مباحث در تمام دوره های تاریخ و سیر علوم و فنون جزء اساس دانش و بینش بوده است.

فلسفه یونان در دیانت مسیح (ع) رخنه گرد و کلیسا برای پاسخ دادن به ملحدین بوضع اسکولاستیک مبادرت ورزید.

در تاریخ فرهنگ اسلام بعد از آنکه در دوره خلفای تیامی کتب یونانی بزبان عربی ترجمه شده باب سؤال و جواب گشوده گردید - دانشمندان اسلامی که اغلب ایرانی بودند بخواندن متن کتابهای یونانی رغبت شایانی نشان دادند و با فهم موضوع گفتارهای مادیون از کتاب اسلامی الهام گرفته از طریق علم و عقل و حس پاسخ آنها را دادند و علم کلام را تأسیس نمودند.

در یونان میان ارباب حسن و مشاهده (طبیعیون و مادیون) روی وجود ماده و اصل و حقیقت اشیاء و توجیه چگونگی آنار طبیعت مباحث زیادی در گرفته ولی سقراط پاسخ دندان شکنی بهمه جنبهای و گمراهی ها داده است.

سقراط هیگوید: « در انسان قوه عاقله‌ای هست - در عالم نیز چنین قوه موجود است - عالم نظام دارد و بی قاعده و بی ترتیب نیست هر امری را پایانی است و ذات باری غایت و پایان وجود است و نمیتوان مدار امور عالم را بر تصادف و اتفاق فرض نمود »

افلاطون هیگوید: « محسوسات ظواهر نه حقایق و عوارض نه اصول » افلاطون عالم محسوس و آنرا که عامه درک میکنند مجاز میداند و حقیقت در

نظر او معقولات است و معتقد است روان انسان در عالم مجردات قبل از ورود بهمان حقیقت زیبائی و حسن مطلق را بدون پرده و حجاب دیده است . در باره انسان معتقد است که آدمی ذبده وجود و نسبه عالم امکان است عقلی است که در روحی قرار گرفته و اسیر زندان تن است .

ارسطو میگوید : «حوادث دوست دارند، مادی و صوری که باعث محركه بآن محركه وجود را بحرکت میآورد و علت العمل یا علت ومحرك اول را که خود ساکن مطلق است عقل و ذات میباشد - ارسطو حرکت را از جهت لقص میداند و خدا را واحد میداند .

فلوطین Piotin حقیقت را واحد میداند و احادیث را اصل و منشاء موجودات و مبداء و مصدر کل و غایت وجود عالم فیضانی از مبداء اول است کامل است، بخل و دریغ ندارد - فلوطین معتقد است هر فردی از محسوسات در عالم معقولات مثالی دارد و معقولات با وجود کثرت همه یکی هستند ماده (هیولی) پذیرنده صورت است و دائم در تغییر و تبدل، عقل واسطه بین ذات احادیث و نفس است و نفس واسطه بین عالم روحانی و محسوسات .

حکمت اشرافی و عرفانی را فلوطین توسعه داد - فلوطین از یونانیان مصر است که از لحاظ تزاد رومی بوده و در اسکندریه در نزد امونیوس ساکاس کب معرفت کرده است (نهمه اول سده سوم میلادی)

فلوطین : حکمت ایران و هندو یونانی را بهم آمیخته و موسس فلسفه ای است که آنرا افلاطون نو خوانده اند در مباحث عرفانی میگوید زیبائی بدن از روان است و اهل معنی از مثاحده زیبائیها بطرف فضائل و کمالات و سیر و سلوك میروند آنچه ما میجوئیم در خود ما وجود دارد، باید مست عشق حق بود و از علاقه مادی دوری جست تا بمبداء باز گردد (

تعلق حجاب است و بی حاصلی چو پیوند ها بکسلی و اصلی

فلوطین میگوید : حقیقت یکی است و منشاء وجود همان حقیقت واحده است و جمیع موجودات تراویشی است از مبداء حقیقت که بطريق تجلی و فیضان از او صادر شده است)

ناگهان هوجی زیحر لامکان آمد پدید

کز نهیش این همه شور و فغان آمد پدید

راز خود میگفت با خود آن نگار جلوه گر

راز او بیرون فتاد این داستان آمد پدید

(بقیه دارد)